###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**نقش زنان در انتخاب الگوهاي مصرف غذاﻳﻰ و ارائه راهکارهاي ﻣﺤﻴط زﻳستي**

**چکيده:**

يکي از بحرانهاي زيست محيطي مسئله انتخاب الگوهاي نامناسب مصرف و در واقع مصرف بي رويه است.افزايش مصرف به معني افزايش ضايعات و آلودگي محيط زيست است و غذا يکي از مهمترين بخشهاي اقتصادي است, که توليد آن به اندازه کافي بستگي به توليد در بخش کشاورزي و روند افزايش جمعيت دارد.

 زنان ميتوانند به عنوان همسر , مادر, مدير, و برنامه ريز خانواده و کسيکه نقش اصلي را در تنظيم خريد و چگونگي مصرف بعهده دارد و نيز بعنوان مربي و فرهنگساز نسل آينده نقش بسيار مهمي در تغيير الگوي مصرف غذايي و در نتيجه کاهش آلودگي محيط زيست داشته باشد.

در اين تحقيق محقق بدنبال اهداف اصلي خويش يعني افزايش نقش زنان در انتخاب الگوهاي مصرف غذايي مناسب و نهايتا کاهش فشار وارد بر محيط زيست به علت الگوهاي بي رويه مصرف مي باشد.

جامعه آماري در اين تحقيق , زنان منطقه ٦تهران مي باشند که تعداد ١١۰۵٧نفر را تشکيل مي دهند. افراد نمونه به حجم ٣۲۵ نفر بر اساس نمونه گيري چند مرحله اي خوشه اي تصادفي انتخاب شدند. به منظور آزمون فرضيه هاي تحقيق, پرسشنامه ويژه اي براي کسب اطلاعات تهيه شده که براي بررسي صحت و سقم فرضيات تحقيق از آزمون کي دو و اسپيرمن استفاده گرديد و نتايج آن اينچنين بيان گرديد. مطابق نظر پاسخگويان در مورد فرضيه اول با توجه به اينکه ضرائب ۲٦٣/۰و۲۲٣/۰از مقدار جدول ١۴٨/۰ بيشتر است بين سطح سواد و نوع الگوي مصرف غذا ,رابطه معني دار وجود دارد, يعني هرچه ميزان تحصيلات زنان افزايش مي يابد، ميزان آشنايي آنان با الگوهاي مصرف غذايي افزايش مي يابد.همچنين با توجه به اينکه اکثر پاسخها ۲/٣۴درصد در مورد ارتباط سن با الگوي مصرف غذا به سمت گزينه متوسط بوده , پس ارتباط معني داري بين ايندو وجود ندارد. در مورد رابطه شاغل بودن زنان و نوع الگوي مصرف ٣/٦۸ درصد به سمت گزينه هاي خيلي زياد و زياد گرايش داشته و کي دو بدست آمده٧٧/١٣٨از مقدار جدول بزرگتر است , پس رابطه معني دار مي باشد. در مورد تاثير نقش زنان در اقتصاد خانواده در زمينه الگوي مصرف غذا پاسخها به سمت گزينه خيلي زياد گرايش داشته و در مورد تاثير نقش زنان بدون همکاري دولت در الگوي مصرف غذا با توجه به مقادير کي دو بدست آمده٦۴٦/۴۲۴و ۵۲٣/۲١٦ از مقدار جدول بزرگتر است, پس نقش زنان به تنهايي نمي تواند موثر باشد. بين آموزش زنان و کاهش ميزان پسماندها و کاهش در اسراف مواد غذايي و کاهش مشکلات زيست محيطي ارتباط معني دار وجود دارد , همپنين هر چه سواد تغذيه اي زنان بيشتر باشد وضعيت تغذيه و سلامت خانواده بهتر مي شود. بين نقش زنان و سلامت غذاي مصرفي ارتباط معنا دار وجود دارد. بين افزايش درآمد و بهبود در وضعيت تغذيه خانواده ارتباط معنا دار وجود دارد.

در آخر به ارائه پيشنهاد در دو بخش مجزا , يعني پيشنهاداتي براي دولت و زنان پرداخته شده است.

**مقدمه:**

با توجه به الگوهاي بي رويه مصرف و توليد که تشديد کننده فقر و عدم تعادل در جهان است و اهميت بخش غذا بعنوان محور اقتصادي و نياز به رسيدن به امنيت غذايي و کاهش جمعيت گرسنه جهان, توجه به تدابير اصلاح الگوي تغذيه, لازم و ضروري ميباشد.(آل ياسيين , احمد,١٣٨٦),چرا که تدابير اصلاح الگوي مصرف غذايي, تضمين امنيت غذايي را به سمت شرايط برقراري سلامت جامعه هدف قرار داده است.براي ايجاد امنيت غذايي, شناخت ترکيب مواد غذايي به منظور جوابگويي به نيازهاي فيزيولوژيکي ضروري است و بر اساس آن ساختار توليد را مي توان برنامه ريزي کرد و جهت داد.علاوه بر توليد, مراحل توزيع مواد غذايي نيز در تضمين در دسترس قرار دادن غذا نقش اساسي بعهده دارد.(عيسی , کلانتری, ١٣٧۵)

يکي از بحرانهاي زيست محيطي مسئله انتخاب الگوهاي نامناسب مصرف و در واقع مصرف بي رويه است.افزايش مصرف به معني افزايش ضايعات و آلودگي محيط زيست است و غذا يکي از مهمترين بخشهاي اقتصادي است, که توليد آن به اندازه کافي بستگي به توليد در بخش کشاورزي و روند افزايش جمعيت دارد. در اين بين توجه به نقش زنان با توجه به اينکه نيمي از جمعيت جهان را تشکيل مي دهند , اما نقش آنها در توسعه و پيشرفت جوامع بسيار بيشتر از يک نيمه است , ضروري ميباشد. بديهي است که هر چه انديشه زنان و مادران يعني آموزگاران و مربيان جامعه بازتر و هر چه دانسته هاي ايشان از اصول فرهنگي, اجتماعي, اقتصادي بيشتر باشد, بهتر مي توانند در راه پيشرفت و تعالي و رفاه و سرافرازي جامعه آينده گام بر دارند, به عبارت ديگر , هر چه آگاهي زنان افزايش يابد, اين آگاهي به جامعه امروز و نسل هاي آينده منتقل شده و موجب سير جامعه به سوي ترقي و تکامل ميشود.زنان ميتوانند با انتخاب الگوي مصرف صحيحي براي خانواده سطح بهره وري خانواده را افزايش دهند و به عنوان همسر , مادر, مدير, و برنامه ريز خانواده و کسيکه نقش اصلي را در تنظيم خريد و چگونگي مصرف بعهده دارد و نيز بعنوان مربي و فرهنگساز نسل آينده و سرانجام بعنوان پيوند دهنده کودکان به خانه و جامعه مي توانند نقش بسيار مهمي در تغيير الگوي مصرف غذايي و در نتيجه کاهش آلودگي محيط زيست داشته باشد.(معروفی,پروين , دانستنيهای زيست محيطی برای زنان)

مطالعه انجام شده در زمينه نقش و تاثير زنان بر شکل گيري عادات و رفتارهاي تغذيه اي فرزندان و تاثير بر روي الگوي مصرف غذايي و اصلاح آن جهت دستيابي به امنيت غذايي اجرا گرديده است, چرا که مطالعه در اين زمينه بسيار محدود ميباشد. اميد است نتايج اين پژوهش در طراحي و ارائه راهکارهاي مناسب براي آموزش صحيح تغذيه در خانواده و بهبود سلامت جامعه و اصلاح الگوهاي توليد و مصرف و در نهايت حمايت ازمحيط زيست و بقاء بشريت مفيد واقع گردد.